



## مقاله پژوهشی جست و جوی تمثیل در نسخه خطی دیوان اشعار میرزا احمد

### متولی باشی

محمد رضا ضیا<sup>۱</sup>، سید احمد حسینی کازرونی<sup>۲</sup>، سید جعفر حمیدی<sup>۳</sup>

#### چکیده

یکی از انواع ادبی تمثیل است. در تاریخ ادب فارسی بسیاری از شعرا و نویسندگان تمثیل را به عنوان قالبی جهت بیان افکار و عقاید خود برگزیده‌اند. تمثیل زاینده‌ی تصویرگرایی و تصویرگرایی زاینده‌ی تخیل قوی یک شاعر یا نویسنده و حتی یک قوم و ملت است. تمثیل در زبان فارسی از نظر ساختار به دو بخش توصیفی (کوتاه یا فشرده) و روایی (گسترده) تقسیم می‌شود. تمثیل روایی بیش تر شکل داستانی دارد که شامل حکایات انسانی، حیوانی، فابل و... است و تمثیل توصیفی در برگزیده‌ی یک یا چند جمله است که برخی از آنها عبارت‌اند از: تشبیه تمثیلی، اسلوب معادله، کنایه و استعاره‌ی تمثیلی. در این مقاله‌ی توصیفی با واکاوی نسخه خطی دیوان اشعار میرزا احمد متولی باشی از شعرای عصر قاجاری و دوره‌ی بازگشت ادبی، به جست و جوی انواع تمثیل روایی و توصیفی در اشعار وی پرداخته و چگونگی کاربرد و انواع هر یک از تمثیل‌های به کار رفته در دیوان اشعار وی را بیان می‌کنیم.

**کلیدواژگان:** میرزا احمد متولی باشی، فابل، تمثیل فشرده، اسلوب معادله، تمثیل گسترده.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۵/۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۹/۳

۱- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر، بوشهر، ایران [ziyamohammadreza@gmail.com](mailto:ziyamohammadreza@gmail.com)

۲- استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر، بوشهر، ایران. (نویسنده مسؤول) [Sahkazerooni@yahoo.com](mailto:Sahkazerooni@yahoo.com)

۳- استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر، بوشهر، ایران.

لطفاً به این مقاله استناد کنید: ضیا، محمد رضا، حسینی کازرونی، سید احمد، حمیدی، سید جعفر، (۱۳۹۹) جست و جوی تمثیل در نسخه خطی دیوان اشعار میرزا احمد متولی باشی. فصل‌نامه تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بوشهر، ۴۶(۴): ۲۹-۴۲.

**مقدمه**

تمثیل قالب بیان غیرمستقیم افکار و اندیشه‌های شاعر و نویسنده است. در تاریخ ادب فارسی بسیاری از شعرا و نویسندگان تمثیل را به عنوان قالبی جهت بیان افکار و عقاید خود برگزیده و اندیشه‌های خود را در پس آن مخفی و پنهان داشته‌اند و خواننده باید آن اندیشه و ایده‌ی ثانویه و پنهان شاعر را تشخیص دهد.

تمثیل در لغت به معنی مثل آوردن و تشبیه کردن چیزی به چیزی دیگر است. «علاقه‌ی شباهت چون میان دو جمله باشد آن را تمثیل نامند.» (دهخدا، ۱۳۷۷: ۶۹۷۰) حمیدی در بررسی انواع تمثیل آورده است: «(زبان فارسی مملو و مشحون از تمثیل‌هایی است که از لحاظ ساختار به دو بخش تمثیل توصیفی (تمثیل کوتاه) و تمثیل روایی (تمثیل گسترده) تقسیم می‌شوند. تمثیل کوتاه از یک یا چند جمله فراتر نمی‌رود و شامل تشبیه تمثیلی، استعاره تمثیلی، استدلالی، مثل، کنایه‌ی مثلی، اسلوب معادله و ... می‌شود. تمثیل گسترده و روایی که بیش‌تر شکل داستانی دارد؛ شامل افسانه‌ی تمثیلی، حکایات انسانی و حیوانی تمثیلی و تمثیل رمزی، فابل، پارابل و ... می‌شود.» (نک. حمیدی و شامیان، ۱۳۸۴: ۷۶)

**پیشینه‌ی تحقیق**

تمثیل پیشینه‌ی گسترده‌ای دارد. یکی از پرکاربردترین جنبه‌های تمثیل و کارکرد آن در شعر است. در همه‌ی تعریف‌های موجود از تمثیل زرین کوب مطلبی از جرجانی نقل می‌کند: «تمثیل تصویری حسی است، که می‌باید امری را که غیرحسی است، برای مخاطب به امر حسی نزدیک و قابل ادراک نماید. به هر حال چون این تصویر حسی است به کسانی که تصور امر مجرد و انتزاعی برای آن‌ها مشکل می‌نماید، کمک می‌کند تا آن چه را تمثیل به نمایش می‌گذارد، در مخیله خویش ترسیم کنند و این که تمثیل برای عوام خلق از انواع حجت به شمار می‌رود، از همین معنی است.» (زرین کوب، ۱۳۶۶: ۲۵۱)

هم در گذشته و هم در دوره‌ی معاصر تالیفات متعددی در حوزه‌ی بلاغت نگاشته شده است؛ که بلاغت تصویر محمود فتوحی (۱۳۸۶)، معانی و بیان اثر جلیل تجلیل (۱۳۹۱)، بدیع و زیباشناسی سخن پارسی اثر میرجلال الدین کزازی (۱۳۷۳)، بیان تالیف سیروس شمیسا (۱۳۸۶) و ... که در آن‌ها در زمینه تمثیل سخن رفته است از این نمونه‌اند. هم چنین مقالات زیادی مانند: «تشبیه تمثیل در شعر منوچهری» (ر. ک: طالبیان، ۱۳۷۷: ۷۷-۸۱، ۱۳۷۸: ۷۲-۸۱)، «تشبیه تمثیل در قرآن از نگاه زمخشری» (ر. ک:

کریمی فرد: ۱۳۸۷: ۲۵۷-۲۷۰)، «اسلوب معادله در شعر» (ر، ک: خسروی، ۱۳۸۹: ۶۲-۵۸)، «اسلوب معادله در غزل سعدی» (ر، ک: حکیم آذر، ۱۳۹۰: ۱۶۳-۱۸۴)، «تمثیل روایی و انواع آن در ادب فارسی» (ر، ک: عبداللهی ۱۳۹۳: ۱۲۹-۱۱۳)، «تمثیل، ماهیت، اقسام و کارکرد» (ر، ک: محمود فتوحی، ۱۳۸۴: ۱۷۷-۱۴۱)، «تمثیل، تصویر یا صنعت بدیعی» (ر، ک: مرتضایی، ۱۳۹۰: ۲۹-۳۸)، «تشبیه تمثیل و استعاره تمثیلیه در کتب بلاغی» (ر، ک: جمکرانی، ۱۳۹۴: ۳۳-۵۰)، «نقد استعاره تمثیلیه در کتب بلاغی» (ر، ک: درخشنده مند، ۱۳۹۰: ۱۱۷-۱۳۸) و ... نوشته شده است.

در این مقاله سعی شده است با واکاوی و جست و جو در نسخه خطی دیوان میرزا احمد متولی باشی انواع تمثیل به کار رفته و کارکرد هریک در دیوان شاعر را بیان نماییم.

#### ۱- معرفی شاعر و نسخه خطی دیوان اشعار

میرزا احمد متولی باشی متخلص به "روشن" از نوادگان علامه میر شریف جرجانی است. او در سال ۱۲۱۵ ه. ق در شهر شیراز در "محلای بازار مرغ" زاده شد. پدرش "میرزا محمد حسین" متخلص به "عالی" فرزند "میرزا محمد" کلانتر فارس در دولت کریم خان زند و صاحب "روزنامه‌ی کلانتر" است. پدر بزرگ شاعر (میرزا محمد کلانتر) خواهرزاده‌ی "میرزا محمد حسین شریفی" صاحب اختیار فارس و از نوادگان "میرزا حبیب ... شریفی" تولیت آستان حضرت شاهچراغ(ع) در عصر صفویه است. (حسینی فسایی، ۱۳۸۸: ۴-۹۴۳)

میرزا احمد متولی باشی از سال ۱۲۴۰ ه. ق تا ۱۲۶۵ ه. ق قمری عهده دار تولیت آستان حضرت "احمد بن موسی الکاظم شاهچراغ(ع)" بودند که بر اثر اختلافات داخلی این خاندان بر سر این منصب در سال ۱۲۶۵ ه. ق "میرزا فضل ... شریفی" متخلص به خاوری موفق به برکناری شاعر از این منصب شده و خود عهده دار این مسئولیت می‌شود. (رک. مقاله تولیت آستان حضرت شاهچراغ(ع) اثر نگارنده، فصلنامه فرهنگ رضوی، تاریخ پذیرش ۱۳۹۸)

فارس نامی ناصری، تذکره‌ی مرآت الفصاحه و تذکره‌ی دلگشا تاریخ وفات میرزا احمد روشن را سال ۱۲۶۱ ه. ق (۴۶ سالگی) ثبت کرده‌اند. "میرزا محمد حسین شعاع الملک" در تذکره‌ی شکرستان پارس سال وفات شاعر را ۱۲۶۲ ه. ق بیان می‌کند و می‌گوید: «جنازه‌ی شریفش را حمل نجف اشرف نموده، و در آن مکان فیض نشان مدفون گردید.» (شعاع شیرازی، ۱۳۹۲: ۷۵۳)

نسخه‌ی خطی دیوان اشعار میرزا احمد متولی باشی به شماره‌ی ۳۰ در مرکز پژوهش و کتابخانه‌ی حضرت شاهچراغ(ع) نگهداری می‌شود. این نسخه به خط شکسته نستعلیق است که با مرکب سیاه

توسط شخصی به نام شاکر به تحریر درآمده است. عناوین اشعار به مرکب قرمز است. نسخه‌ی مذکور دارای ۱۰۵ برگ است که اندازه آن ۲۰/۵\*۱۶ در قطع وزیری است. تعداد ابیات هر صفحه بین ۱۳ تا ۱۵ بیت متغیر و شامل ۳۱۴۳ بیت است. نسخه هیچ آرایش و تزئینی ندارد؛ دارای رکابه است و آغاز و انجام دارد.

آغاز:

بسم الله الرحمن الرحيم

هذا دیوان اشعار ڈرربار بلاغت آثار سلاله السادات و نجباء العظام ذولا احترام [...]

با بیت زیر دیوان آغاز می‌شود:

باز آهنگ دیار ابتلا دارد حسین

عزم طوف کعبه قرب خدا دارد حسین

(برگ: ۴ ن خ)

انجام: تمت الكتاب بعون الملك الوهاب من كلام روشن بتاريخ يازدهم شهر ذيقعدة الحرام كتبه العبد المذنب لاثيم تعالى الواثق بالله المتوكل على الله، شاکر سنه ۱۲۸۲. (برگ: ۲۰۹ ن خ)

## ۲- انواع تمثیل:

### ۱-۲- فابل:

فابل داستان ساده و کوتاهی است که معمولا شخصیت داستان آن حیوانات هستند. نقل حکایت و داستان از زبان حیوانات همواره مرسوم بوده است. «فابل از ریشه‌ی (fable) به معنی بازگفتن است و بر روایت کردن تاکید دارد. این اصطلاح در دوران قرون وسطی و رنسانس، اغلب هنگام سخن گفتن از طرح یک روایت به کار می‌رفت. در اصطلاح ادبی، فابل داستان ساده و کوتاهی است که معمولا شخصیت‌های آن حیوانات هستند و هدف آن آموختن و تعلیم یک اصل و حقیقت اخلاقی یا معنوی است.» (تقوی، ۱۳۶۷: ۹۲) میرزا احمد متولی باشی در دوران حیات از نظر معیشتی دچار مشکلات و معضلاتی می‌گردد که در اشعار خود بارها به آن اشاره می‌کند. برخی از این مشکلات ناشی از فوت پدرش میرزا محمدحسین عالی است که بر اثر بیماری تب دق که سال‌ها به آن مبتلاست برمی‌گردد. با فوت پدر و عموی سرپرستی زن و فرزندان بر دوش میرزا احمد می‌افتد. این تنگ دستی و گرفتاری به شدت افکار و اندیشه‌ی شاعر را به خود مشغول داشته است. میرزا احمد متولی باشی در دو قطعه‌ی

گاو مهمانخانه (آبکش) و قصیده‌ی اسبیه وضعیت فقر و فاقه‌ی خود را در قالب مناظره و گفت و گوی خود با این دو حیوان به ممدوح خویش می‌نگارد و به شکل تمثیل بیان می‌دارد. در قطعه‌ی تقاضا در طلب کاه برای این گاو می‌گوید:

کاو چو من سر زیر فرمان شماست	در سرای اوست گاوی آب کش
هم سرا هم گاو ارزان شماست	گر تو با چشم حقیقت بنگری
لاجرم چشمش به احسان شماست	از قصیل امسال، او بی بهره ماند
لیک دست من به دامن شماست	وعده‌ی دامن کاهش داده ام
چشم امیدش به درمان شماست	دردمند مشت کاه است و کنون
که این متاع ارزان به دکان شماست	جان این حیوان به کاهی بازخر

(برگ ۱۰۷ ان خ)

وی در قطعه‌ی دیگری که برای فردی دیگر سروده باز طلب کاه می‌کند:

چندی است که انتظار دو خرکاه می‌کشد	گاو سرای بنده ز انعام عام تو
از بهر کاه ناله‌ی جانکاه می‌کشد	کاهیده جسم لاغرش از بس که روز و شب
پیوسته شکل تازی و روباه می‌کشد	کلک قضا به جبهه‌ی این زار ناتوان
هر شامگاه بر ورق ماه می‌کشد	با کلک شاخ نقش خیال علوفه را
از چاه سار سینه همی آه می‌کشد	چون قوت کشیدن آبش ز چاه نیست
اکنون ز ضعف پای به اکراه می‌کشد	زاین پیش می‌کشید به قوت هزار دلو
یک نیمه دلو با تعب از چاه می‌کشد	مجبور اگر برند به کارش پس از دو روز

(همان: ۱۰۷)

این اشعار علاوه بر بیان وضعیت نامناسب معیشتی شاعر بیانگر اوضاع نابه سامان جامعه‌ی شیراز در عصرشاعر است. جامعه‌ای که با خشک سالی دست و پنجه نرم می‌کند. شاعر این واقعیت را در قطعه‌ای که درباره‌ی مزرعه‌ی استخر خود سروده و از زیادی عاملان و آفت و سموم مزرعه سخن می‌گوید؛ پیداست.

کاو خراب امسال ویران از سم است	مزرعی ارباب دارم در ستخر
جمله را بردند و گویند کم است	هرچه از سم مانده باقی عاملان

(همان: ۱۱۲)

برخی از صاحب نظران فابل‌ها را به سه دسته تقسیم کرده‌اند: نظری، اخلاقی و جبری. فابل‌های نظری جنبه و شکل تعلیماتی و فهمیدنی دارند و نمود طبیعی آن‌ها نمایشگر قانون و نظم جهانی است. فابل‌های اخلاقی شامل مضامین و مطالبی برای شیوه‌ی زندگی و خواست‌های آدمی و اخلاقیات است که باعث می‌شود دیدی نسبتاً وسیع به نمودهای طبیعی و امور عینی پیدا کنیم که منتهی به سعادت و شادکامی همه‌ی مخلوقات زنده می‌شود و قوانینی که برای این سعادت لازم است به وسیله‌ی خالق فراهم گردیده است. «در فابل‌های جبری (تقدیری) یک سلسله از وقایع رخ می‌دهد که دفع و رفع آن‌ها از قدرت موجود جاندار خارج است و یک قدرت مافوق این مقدرات را بر موجودات تحمیل می‌کند، بی آنکه موجود محکوم بتواند برای فرار از پایان شوم سرنوشت خویش کاری کند». (کاشیان، ۱۳۸۵، فابل) میرزا احمد متولی باشی در این دو قطعه و قصیده‌ی اسبیه در واقع بیان می‌دارد که علاوه بر این حیوانات خود نیز اسیر جبر، تقدیر و سرنوشت است. او با ترسیم و تصویر حالات، زندگی و گفت و گوی با این دو حیوان وضعیت غم‌انگیز معیشتی و زندگی خود را بازتاب می‌دهد. کما این که شاید سایر افراد جامعه‌ی آن روز نیز به شرایطی شبیه شاعر دچار باشند. داستان این دو حیوان گرسنه، لاغر و نیازمند حداقل‌ها برای زنده ماندن تمثیلی از جامعه‌ی عصر شاعر است و نمادی از متمدلانی که جبراً بر آن‌ها فرمان می‌رانند.

تمتعی که بود از گلاب می‌مندم	به چهره ام عرق از انفعال احباب است
به روزگار نبینی نظیر و مانندم	ز بی‌زبانی و مسکینی و تهی دستی
برای جامه‌ی عید عزیز فرزندم	هزار بار کفن آرزو کنم بر تن
رهین مشت ارازل و ناکسی چندم	پی معیشت مشتی عیال بیچاره

(برگ ۱۶۴ ان‌خ)

شاعر در قصیده‌ی اسبیه در گفت و گوی با این حیوان می‌گوید:

دی به اسب خویشان گفتم: تو را چون است حال؟	گفت: باری مرده انگارم، گرت اکره نیست
رحمی آخر بر من ای صاحب که در آخور مرا	جو معاذالله نخواهم از تو، مشتی کاه نیست؟
یا مرا بفروش و یا جانم به کاهی باز خر	سعی کن، که این سعی کم از طوف بیت الله نیست

(همان: ۱۰۸)

در این ابیات شاعر به کنایه به ممدوح که حاکم حومه‌ی شیراز است می‌گوید رساندن مشتی کاه به این حیوان در این قحطی علوفه و کاه کمتر از حج و طواف خانه‌ی خدا نیست.

من که بودم سال‌ها پیش تو چون جانِ عزیز      مردنم اکنون ز بی کاهی تو را جانکاه نیست؟  
پیش از این آبی به جای کاه می‌دادی به من      این زمانم کاه و جو سهل است که آب چاه نیست  
چون تو گاو آبکش گفتم ضعیف و لاغر است      ناتوانی آن چنان کش قدرت یک آه نیست  
ورنه آبی می‌کشید او، تو می‌خوردی ز حوض      او صبور و چون تو اش فریاد واغوثاه نیست  
گفت: نی او کاه بیند که کَنافَت می‌خورد      تو مرا پا بسته [ای]، ره در کَنافَت گاه نیست  
(همان: ۱۰۸)

اسب در جدل با شاعر و صاحب خود ضمن انتقاد از وی نسبت به پابسته بودن و عدم آزادی خود که در واقع نوعی جبر و سرنوشت محکوم و جزای عمل انجام نداده سخن می‌گوید:

شرح احوال مرا با ضابط حومه بگوی      چون تو را بهتر از او غمخوار و نیکو خواه نیست  
گر تو آگاهش کنی، البته رحم آرد به من      هست او را با خدا راهی، چو تو گمراه نیست  
رحم، آخر شرط آیین مسلمانی بود      هیچ حیوان را گنه ناکرده پادافراه نیست  
(همان: ۱۰۹)

## ۲-۲- اگزیمپلوم (exemplum) یا داستان

در سروده‌های میرزا احمد متولی باشی ابیاتی دیده می‌شود که شاعر در آن‌ها روایت یا داستانی مشهور و نام‌آشنای خواننده به صورت مختصر در بیت گنجانده است. این نوع تمثیل با عنوان اگزیمپلوم یا داستان-مثال یا مثالک نام دارد و در مجموعه‌ی تمثیل روایی قرار می‌گیرد:

آن خداوندی که گشت از عکس رای انورش      مهر رخشان منفعل حتی توارت بالحجاب  
(همان: ۷۱)

در مصراع دوم «توارت بالحجاب» اشاره به آیه ۳۲ سوره‌ی ص دارد که خداوند می‌فرماید: "فَقَالَ إِنِّي أَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَيْرِ عَنْ ذِكْرِ رَبِّي حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ" گفت: من این اسبان را به خاطر پروردگار دوست دارم تا از دیدگانش پنهان شدند. تلمیح به داستان حضرت سلیمان که: من آن قدر به اسب‌ها علاقه‌یافتم که وقتی اسبان را بر من عرضه کردند، نماز عصر یا نافله یا ورد آخر روز از یادم رفت تا وقتش فوت شد و خورشید غروب کرد. از این رو خداوند به ملائکه امر می‌کند تا آفتاب را برگردانند، تا او نماز خود را در وقتش بخواند. (طباطبایی، ج ۱۷: ۲۰۳)

در دیوان شاعر ابیات دیگری نیز وجود دارد که اشاره به داستانی مشهور دارد و به صورت تلمیح و مختصر به آن اشاره شده است:

گفت: کای از دو چشم سحر فشانت      چرخ چو کشتی نوح در ره طوفان

(برگ ۵۶ ن خ)

موجهی اشکم گرفت روی جهان      کیست که گوید به نوح قصه‌ی طوفان

(همان: ۱۱۹)

به گزارش قرآن کریم، «نوح(ع) ۹۵۰ سال قوم خود را به یکتاپرستی دعوت کرد.» (قرآن کریم، س عنکبوت آیه: ۱۴) «پس از آن که خداوند به نوح وحی کرد که مردم قومش هرگز ایمان نخواهند آورد.» (همان: س هود، آیه: ۳۶) حضرت نوح(ع) قوم خود را نفرین کرد و گفت: «پروردگارا از کافران هیچ جنبه‌ای بر زمین بر جای مگذار.» (همان: س نوح آیه ۲۶) پس از این، «خداوند با طوفان بزرگی همه‌ی مشرکان را از بین برد و درخواست نوح(ع) را اجابت کرد.» (همان: ۱-۲۵) هم چنین در بیت زیر نمونه‌ای از آگزمپلوم(داستان-مثل):

سکندر ز آینه ات بی درنگ      ز خجالت زد آینه‌ی خود به سنگ

(همان: ۱۲۴)

دهخدا در لغت نامه در این باره آورده است: «نام آینه‌ای است که به جهت آگاهی از حال فرنگ بر سر مناره اسکندریه به مصر تعبیه شده بود و کشتی‌های دریا از صد میل راه در آینه دیده می‌شده، و آن مناره را اسکندر به دستگیری ارسطو بنا کرده بود و از غفلت پاسبانان، فرنگیان فرصت یافته آینه در آب افکندند و اسکندریه را برهم زدند و ارسطو به فسون و اعداد آن را از قعر دریا برآورد.» (دهخدا ۱۳۷۹: ذیل واژه سکندری)

چون ماهی فتاده ز جیحون به ساحلی      محروم چون ز چشمه‌ی حیوان سکندری

(همان: ۳۳)

افسانه‌ی آب حیات، آب زندگی، چشمه‌ی جوانی، چشمه زندگی و ... از نکات است که در شعر و ادب فارسی به ویژه متون عرفانی بازتاب داشته است. هرچند این موضوع به خضر نیز نسبت داده‌اند. نیز ابیات متعددی از این دست درباره داستان‌های حضرت یوسف(ع)، خضر، سلیمان نبی(ع)، حضرت



ابراهیم(ع)، حضرت عیسی(ع)، حضرت یحیی(ع) و ... با همان کارکرد آگزمپلوم به چشم می‌خورد.

### ۳-۲- اسلوب معادله

اسلوب معادله یکی از انواع تمثیل است که «شاعر در مصراع اول چیزی می‌گوید و در مصراع دوم چیزی دیگری؛ اما دو سوی معادله، از رهگذر شباهت قابل تبدیل به یکدیگرند.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۵: ۸۴) در این جا به نمونه‌ای از اسلوب معادله‌ی به کار رفته در دیوان شاعر بسنده می‌کنیم:

صحبت دونان نماید نیک را از بد بتر  
ز آن که با یابو برآید عاقبت خر می‌شود

(برگ ۱۹۵ ان خ)

### ۴-۲- ارسال المثل

نویسنده و شاعر گاهی در کلام و سخن خود برای زیبایی و آرایش کلام و گاهی به جهت تقویت بنیان سخن اقدام به آوردن ضرب المثل می‌کند. همایی در این باره می‌گوید: «گاه باشد که آوردن یک مثل در نظم و نثر یا خطابه و سخنرانی اثرش از پروراندن مقصود و جلب توجه خواننده و شنونده بیش از چندین بیت منظوم و چند صفحه مقاله و رساله باشد.» (همایی، ۱۳۳۹: ۴۷) میرزا احمد متولی باشی در توصیف نوبهار و دفع خمار و تراحم صوفیان و واعظان رایبی که به آواز نابهنگام زاغ و کلاغ تشبیه می‌سازد؛ می‌گوید:

پنبه‌ی مینای می‌بردار و اندر گوش نه  
نشنوی تا هوی واعظ هان اذا کان الغراب

(برگ ۷۰ ان خ)

اذا کان الغراب: امثال عربی است اذا کان الغراب دلیل قوم فنادوس المجوس لهم مقیل، هرگاه کلاغ راهنمای قومی باشد، پس گورستان مجوس، خوابگاه آنان است. (جوینی، ج ۲: ۱۵۲) درجایی دیگر ضمن شکوه از مدعی تولیت حضرت شاه چراغ(ع) و موقوفات آن (فضل الله خاوری) او را این گونه خطاب قرار می‌دهد:

شکوه‌ها دارم ز بخت واژگون ز آن‌ها یکی  
دعوی خصم است بهر مال میمند خراب  
حرف خصم این است کاین منصب سزاوار من است  
یاوه گور را مشت باید بر دهن جای جواب

(برگ ۷۲ ان خ)

در صحبت ناجنس و تمایل هم جنس با هم جنس (کندهم جنس با هم جنس پرواز) در نصیحت شخصی به او می‌گوید:

که گفته اند بُود جنس مایل هم جنس به دهر ز صحبت ناجنس نیست رنج و بال  
(همان: ۲۰۹)

و از این قبیل:

بود مسکن گنج ویرانه، آری غم عشق گنج و دل ما خرابه  
(همان: ۱۷۵)

### ۵-۲- کنایه‌ی تمثیلی

کنایه تمثیلی از دیگر آرایه‌های ادبی است که میرزا احمد متولی باشی در اشعار خود از آن استفاده نموده است. کنایه لفظی است که لازم معنایش را اراده کنند در صورتی که اراده‌ی اصل معنی هم ممکن و جایز باشد. چنان که می‌گویند: «فلانی قدش دراز است» و از این سخن کم عقلی او را که از علایم و لوازم درازی قامت است اراده می‌کنند. بلی ممکن است جمله‌ای که مشتمل بر کنایه‌ای می‌باشد بین مردم مشهور و استعمالش بدون تغییر یا با تغییری مختصر و جزئی رایج گردد که در این صورت از امثال (مثل) محسوب می‌شود. مانند این مصراع «این سر خر که راه داده به بستان» که استعمالش شهرت یافته و از امثال سایره شده است. (بهمینار، ۱۳۳۸: ۶-۳۹۵) چند نمونه از این موارد که در دیوان شاعر موجود است بیان می‌کنیم:

جان به لب رسیدن:

جان مرا از حسرت لعل شکر ریزت به لب دل مرا از فتنه‌ی زلف دلاویزت به تاب  
(برگ ۱۷۹ ان خ)

آهن سرد کوفتن:

دل سخت حریفان نرم کی گردد زآه من مگو "روشن" که دیگر کوفتن بس آهن سردم  
(همان: ۱۶۵)

دندان به جگر گذاشتن:

"روشن"، تا چند غصه و غم خوردن غم خوردن و دندان به جگر افشردن  
(همان: ۲۰۰)

## ۲-۶- تمثیل‌های تصویری

آن دسته از تمثیل‌هایی که ساختار روایتی کاملی ندارند و طرح داستانی آن‌ها از یک پی‌رفت کامل که ترکیبی از تعادل و گذار باشد تشکیل نشده است و صرفاً مجموعه‌ای از تصویرهای کوتاه و ایستا را به صورت توصیفی به نمایش می‌گذارند، از نوع تمثیل‌های تصویری هستند. طرح صریح یک ادعا و موضوع، سپس آوردن حکایت یا مثال تصویری برای استدلال و اثبات و در نهایت نتیجه‌گیری مطلوب. (شیری، ۱۳۸۹: ۵۱)

ای حکیم ار بخردی از بی خرد دوری بکن	این سعادت گر تو را چون من میسر می‌شود
صحبت جُهال میسندند ارباب عقول	ز آن که مرأت خرد از وی مکدر می‌شود
از پی توضیح این مطلب دلیلی آورم	گر تو را این قول نغز از بنده باور می‌شود
بینی آهن را که با سوزنده آذر چون نشست	لاجرم سوزان تر از سوزنده آذر می‌شود

(برگ ۱۹۵ ان‌خ)

## نتیجه‌گیری

در اشعار باقی مانده از میرزا احمد متولی باشی قطعات و ابیاتی در قالب تمثیل توصیفی (کوتاه یا فشرده) و تمثیل روایی (گسترده) که شامل فابل، آگزمپلوم (داستان) اسلوب معادله، ارسال المثل، کنایه تمثیلی و ... موجود است. شاعر با توجه و روی آوری به تمثیل در صدد انتقال افکار و اندیشه‌ی خود و در صدد آموزش‌های اخلاقی و انسانی با هدف ایجاد فضای تعالی اجتماعی برای خواننده است. این مقاله نشان می‌دهد که میرزا احمد متولی باشی با به کارگرفتن تمثیل‌های ساده و زیبا و با ظرافت خاصی به دنبال انتقال ایده و اندیشه‌ی خود به جامعه و خواننده است. او در صدد پیچیدگی در کلام و تمثیل نیست و به صورت محسوس و روشن تمثیل را برای خواننده مجسم می‌سازد؛ به گونه‌ای که با کمترین درنگ و کاوش، خواننده به مفاهیم تمثیل دست می‌یابد. در میان انواع تمثیل به کار رفته در دیوان شاعر قطعاتی که در قالب فابل بیان نموده از زیبایی خاصی برخوردار است که کمتر شاعری این گونه به آن پرداخته است.

## منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم، (۱۳۷۶) ترجمه محمد مهدی فولادوند، تهران: دارالقرآن کریم.
۲. بهمنیار، احمد، (۱۳۳۸)، یغما، سال دوم، شماره ۹ ص ۳۹۳.

- ۴۰ جست و جوی تمثیل در نسخه خطی دیوان اشعار میرزا احمد متولی باشی
۳. تجلیل، جلیل، (۱۳۹۱)، معانی و بیان، تهران: نشرمرکز.
۴. تقوی، محمد، (۱۳۶۷)، حکایت حیوانات در ادب فارسی، تهران: انتشارات روزنه.
۵. جوینی، عطاملک، (۱۳۸۹)، تاریخ جهانگشا، با اهتمام سید شاهرخ موسویان، تهران: دستان.
۶. حسینی کازرونی، سیداحمد، ضیا، محمدرضا و حمیدی، سیدجعفر، (۱۳۹۸)، تولیت آستانه حضرت شاه چراغ(ع)، فصلنامه فرهنگ رضوی، پذیرش زمستان ۱۳۹۸.
۷. حکیم آذر، محمد، (۱۳۹۰)، اسلوب معادله در غزل سعدی، فصلنامه پژوهش نامه ادبیات تعلیمی، بهار ۱۳۹۰، سال سوم، صص ۱۶۳-۱۸۴.
۸. حمیدی، سیدجعفر و شامیان، اکبر، (۱۳۸۴)، سرچشمه‌های تکوین و توسعه‌ی انواع تمثیل، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، ص ۵۷.
۹. خسروی، حسین، (۱۳۸۹)، اسلوب معادله در شعر، فصلنامه شعر، بهار ۱۳۸۹، شماره ۶۹، صص ۶۲-۵۸.
۱۰. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷)، لغت نامه، ج ۵ تهران: دانشگاه تهران.
۱۱. زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۶۶)، بحر در کوزه، تهران: علمی، فرهنگی.
۱۲. شفیع کدکنی، محمدرضا، (۱۳۷۵)، صورخیال در شعر فارسی، تهران: انتشارات آگاه.
۱۳. شعاع شیرازی، میرزامحمدحسین، (۱۳۹۲)، تذکره‌ی شکرستان، مقدمه، تصحیح و تعلیق عبدالرسول فروتن، قم مجمع ذخائر اسلامی.
۱۴. شمیسا، سیروس، (۱۳۸۶)، بیان، تهران: نشرمیترا.
۱۵. شیرینی، قهرمان، (۱۳۸۹)، تمثیل و تصویری نو از کارکردها و انواع آن. کاوش نامه، سال ۱۱ شماره ۲۰، ص ۳۲.
۱۶. طالبیان، یحیی، (۱۳۷۸-۷۷)، تشبیه تمثیل در شعر منوچهری، فصلنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی شهیدباهنر کرمان، دوره جدید زمستان ۱۳۷۷ و بهار ۱۳۷۸ شماره ۴ و ۵، صص ۸۱-۷۲.
۱۷. طباطبایی، محمد حسین، (۱۳۴۵)، تفسیر المیزان، ج ۱۷، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، تهران: انتشارات محمدی.
۱۸. عبداللهی، محبوبه، (۱۳۹۳)، تمثیل روایی و انواع آن در ادب فارسی، پژوهش‌های ادبی و بلاغی، صص ۱۲۹-۱۱۳.
۱۹. فتوحی، محمود، (۱۳۸۶)، بلاغت تصویر، تهران: سخن.
۲۰. -----، (۱۳۸۴)، تمثیل، ماهیت، اقسام، کارکرد، مجله دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی، سال ۱۲ و ۱۳ شماره ۴۹-۴۷، صص ۱۷۷-۱۴۱.
۲۱. فسایی، میرزاحسن، (۱۳۸۸)، فارسنامه، ج ۲، تصحیح و تحشیه منصور رستگار فسایی، تهران: امیرکبیر.
۲۲. کاشیان، حمیده، (۱۳۸۵)، سایت دانشنامه رشد، فابل.
۲۳. کریمی فرد، غلامرضا، (۱۳۸۷)، تشبیه تمثیل در قرآن از نگاه زمخشری، نشریه ادب و زبان فارسی،

دانشکده ادبیات علوم انسانی شهید باهنر، شماره ۲۳ صص ۲۷۰-۲۵۷.

۲۴. کزازی، میرجلال الدین، (۱۳۷۳)، بدیع و زیباشناسی سخن پارسی، تهران: مرکز.

۲۵. متولی باشی، میرزا احمد، (۱۳۸۲ ق)، نسخه خطی دیوان اشعار، مرکز پژوهش‌های حضرت شاهچراغ(ع) شماره ثبت ۳۰.

۲۶. مرتضایی، جواد، (۱۳۹۰)، تمثیل، تصویریا صنعت بدیعی؟ فصلنامه پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان، زمستان ۱۳۹۰، شماره پیاپی ۱۲، صص ۳۸-۲۹.

۲۷. همایی، جلال الدین، (۱۳۶۷)، فنون بلاغت و صناعات ادبی، تهران: علمی، فرهنگی.



**Journal of Research Allegory in  
Persian Language and Literature**  
Islamic Azad University- Bushehr Branch  
No. 46 / Winter 2020  
<http://jpll.iaubushehr.ac.ir> ISSN 2008-627X



**Original Paper** **Search for Allegory in The Manuscript of Mirza Ahmad Motavali Bashi's Poetry Collection**

Mohammadreza Ziya<sup>1</sup>, Ahmad Hosseini Kazeruni<sup>2</sup>, Seyed Jafar Hamidi<sup>3</sup>

**Abstract**

One of the literary types is an allegory. In the history of Persian literature, many poets and writers have chosen allegory as a template to express their thoughts and ideas. The allegory born of imagery and imagery is the product of the strong imagination of a poet or writer and even of a nation. Allegory in Persian is structurally divided into two parts: descriptive (short or concise) and narrative (broad). Narrative allegory has more than one form of the story that includes human, animal, fable, etc. anecdotes, and descriptive allegory consists of one or more sentences, some of which are: allegorical simile, equation style, allegory, and allegorical metaphor.

In this descriptive article, by analyzing the manuscript of Mirza Ahmad Motavali Bashi, one of the poets of the Qajar era and the period of literary return, he searches for different types of narrative and descriptive allegories in his poems and how they are used and the types of allegories used in his poetry collection. We express.

**Keywords:** Mirza Ahmad Motavali Bashi, Fable, Compact allegory, Equation style, Extensive allegory.

1- PhD student in Persian language and literature of Bushehr Islamic Azad University, Bushehr, Iran  
ZiyaMohammadReza@Gmail. Com

2- Professor of Persian Language and Literature, Bushehr Branch of Islamic Azad University, Bushehr, Iran. (Corresponding Author) Sahkazeruni@yahoo. com

3- Professor of Persian Language and Literature, Bushehr Branch of Islamic Azad University, Bushehr, Iran

**Please cite this article as:** Ziya, Mohammadreza., Hosseini Kazeruni., Seyed Ahmad, Hoseini Kazeruni., Hamidi, Seyed Jafar., (2020), Search for Allegory in The Manuscript of Mirza Ahmad Motavali Bashi's Poetry Collection. Journal of Research Allegory in Persian Language and Literature, Islamic Azad University- Bushehr Branch. , 46(4): 29-42.